

سازگاری یا ناسازگاری قرآن و علم جدید

دکتر سید رضا مؤدب*
عضو هیئت علمی دانشگاه قم
مجید دانشگر*
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم
حمید رضا خادمی*
دانشجوی دکتری مرکز تربیت مدرس، دانشگاه قم

چکیده

علم جدید با داشتن سابقه‌ای چند صد ساله و پررمز و راز، میوه‌ای به نام صنعت و تکنولوژی را به وجود آورد و این تکنولوژی هر روز دریچه‌های تازه‌ای از علم را به روی انسان باز نمود. به دنبال پیشرفت علوم، محققان و اندیشمندان نیز بر تحقیقات خود افزودند و آثارشان را در معرض نقد و بررسی متفکرین و پژوهشگران قرار دادند. یکی از این آثار، کتاب قرآن و علم جدید دکتر ذاکر نائیک می‌باشد که با نگاهی کاملاً علمی به بررسی ارتباط آیات قرآن با علم جدید پرداخته است. این کتاب، با در برداشتن تنوع در فصول، ما را برآن داشت تا به ترجمه، نقد و بررسی آن بپردازیم. هدف کلی از انجام این پژوهش آشنا

شدن با آثار جدید در حوزه علم و دین و همچنین تحلیل روابط بین قرآن و علم می‌باشد.

واژه‌های اصلی: قرآن و علوم جدید، قرآن و علوم، ذاکر نائیک، سازگاری، تفاسیر.

انسان همیشه در پی کشف به رموز طبیعت، جایگاه خود در خلقت و هدف از زندگی بوده است. در این جست‌وجو پس از طی قرن‌ها و عبور تمدن‌های متنوع، ادیان الهی زندگی انسان را شکل داده‌اند و تا حدّ زیادی رشته تاریخ را معین کرده‌اند. با این که این ادیان کتاب‌هایی از سوی پروردگار داشتند، قرآن با همه آنان فرق دارد؛ کتابی که کاملاً وحیانی است و به مطالب علمی توجه دارد و از همین لحاظ مورد توجه دانشمندان غرب و شرق قرار گرفته است. دکتر ذاکر نائیک یکی از افرادی است که عمر خود را در مسیر قرآن صرف کرد و کتابی در مورد قرآن و علم جدید نشر داد که ما آن را ترجمه و دیدگاه‌های مختلف علمی او را تحلیل و نقد کرده‌ایم.

۱. زندگی نامه ذاکر نائیک

ذاکر عبدالکریم نائیک (Zakir Abdolkarim Naik) در ۱۸ اکتبر سال ۱۹۶۵م در بمبئی هند متولد شد. بعد از گذراندن دوران ابتدایی و دبیرستان، وارد دانشکده پزشکی شد و درجه دکتری تخصصی (MBBS) گرفت. از سال ۱۹۹۱ م برای احیای دوباره مبانی اسلام و افزایش آگاهی جوانان مسلمان، فعالیت‌های خود را در حوزه علوم و تبلیغ دین آغاز نمود. او هر ساله برای ارائه دست‌آوردها و سخنرانی‌هایش، مهمان دانشگاه‌ها و مراکز علمی جهان می‌باشد. ذکیر نائیک بیشتر می‌کوشد با بررسی دقیق متون علمی و اسلامی و تطبیق بین آنها، بر عظمت و اهمیت دین اسلام بیافزاید.

به گفته بعضی جامعه‌شناسان همچون توماس بلام‌هانسن، یکی از ویژگی‌های ذاکر نائیک این است که می‌تواند مفاهیم خود را در زبان‌های گوناگون به گوش همگان برساند و در مجموع به شخصیتی محبوب تبدیل شود. او بیشتر

سخنرانی‌ها و دست‌آوردهای خود را با ویدئو یا حضور در رسانه‌ها و چاپ کتاب و مقاله به نظر علاقه‌مندان قرآنی می‌رساند و مهم‌ترین فعالیت‌هایش شامل موارد زیر می‌باشد.

الف) اسلام و علوم پیشرفته،

ب) اسلام و مسیحیت،

ج) اسلام و سکولاریزم.

۲. شناخت‌نامه کتاب قرآن و علم جدید

کتاب کنونی ترجمه اثر انگلیسی "The Qur'aan and Modern Science: Compatible or Incompatible?" می‌باشد. دکتر نائیک این کتاب را در ۱۵ بخش تنظیم کرده و بین علم و دین (قرآن و علوم جدید) به صورتی استنباطی و جالب رابطه برقرار کرده است. مراد او از سازگاری و ناسازگاری بیان ارتباط علوم و قرآن کریم می‌باشد و این که قرآن و بیان حقایق علمی منافاتی با هم ندارند.

باید یادآور شد که نویسنده و مترجمان قرآن را کتابی علمی، تجربی و طبیعی جلوه نمی‌دهند، بلکه می‌خواهند عظمت، هویت، چند بعدی، مفید بودن و منشا الهی داشتن قرآن را به تصویر بکشند. سعی بر آن است در این دنیای کنونی که سرعت صنعت و نوپذیری به شدت در حال گسترش است، هویت گوشه‌ای از علوم طبیعی به علم‌جویان نشان داده شود. سخنان بزرگان و دانشمندان غربی همچون گوته، تولستوی، هانری کربن و... از محکم‌ترین دلایلی است که نشان می‌دهد شگفتی‌های قرآن به زمان و مکان محدود نمی‌شود و هر شخصی بر اساس ظرفیت و توانایی خود آن را درک می‌کند و می‌تواند به پاسخ پرسش‌های خود دست یابد.

باید توجه داشت که دکتر نائیک در این کتاب با تمام توان می‌خواهد با بررسی علوم روز و تطبیق آن‌ها با آیات قرآن کریم، اعجازهای علمی این کتاب آسمانی را بیش از پیش آشکار کند. لازم به ذکر است که پیش از این بزرگانی چون آیت‌الله نوری همدانی، دکتر بی‌آزار شیرازی و دکتر رضایی اصفهانی آثار ماندگار و با ارزشی درباره اعجازهای علمی قرآن ایجاد کرده‌اند.

یکی از اهداف کتاب «قرآن و علم جدید» این است که به مخاطب قدرت تحلیل و فرصت تفکر بیشتر بدهد. همان گونه که در ذیل عنوان این کتاب دیده می‌شود نویسنده می‌کوشد سازگاری و یا ناسازگاری (Compatible or incompatible) علم و دین یا علم و قرآن را به طریق علمی به تصویر بکشد و این درست زمانی است که به فهرست کتاب مراجعه و تکثر و تنوع موضوعی آن را ببینیم. این کتاب شانزده بخش متفاوت دارد که با مقدمه‌ای در مورد زندگی انسان و ارتباط او با قرآن آغاز می‌شود، مثلاً دکتر نائیک در بخشی از مقدمه این کتاب چنین بیان می‌نماید:

«قرآن کریم، منبع اصلی ایمان و عقیده اسلامی، کتابی است که مسلمانان به آن ایمان دارند و بر این باورند که این کتاب منشاء کاملاً وحیانی دارد. مسلمانان بر این باورند که این کتاب حاوی مطالبی است که تمام انسان‌ها را در هر دوره زمانی خاصی شامل می‌شود و هدایت می‌کند. چون گمان می‌رود که پیام قرآن به همه دوره‌ها متعلق است، بنابراین باید در رابطه با هر عصر و دوره‌ای باشد. آیا قرآن این آزمایش را گذرانده است؟ در این بررسی، قصد داریم تا تجزیه و تحلیلی هدف‌دار از ایمان مسلمانان را با توجه به مبدأ الهی قرآن بر مبنای کشفیات علمی موجود ارائه دهیم.»

نویسنده در بخش‌های بعدی به طور جدی به بررسی وجود شواهد علمی

در قرآن می‌پردازد و بر علاقه و کشش مخاطبان می‌افزاید. در این جا به فهرست عناوین کتاب اشاره می‌نماییم.

(۱) مقدمه (۲) تحدی در قرآن (۳) نجوم (۴) فیزیک (۵) جغرافیا (۶) زمین‌شناسی (۷) اقیانوس‌شناسی (۸) زیست‌شناسی (۹) گیاه‌شناسی (۱۰) جانورشناسی (۱۱) طب، فیزیولوژی، جنین‌شناسی، (۱۲) علوم کلی، (۱۳) نتیجه‌گیری.

۳. ترجمه بخشی از فصل‌های کتاب

تحدی در قرآن

ادبیات و شعر، از وسایل بیان و خلاقیت انسان در همه فرهنگ‌ها است. جهان نیز به وجود عصری گواهی می‌دهد که ادبیات و شعر، در آن مایه افتخار بود، مثل عصر حاضر که علم و صنعت مایه مباهات است.

مسلمانان و غیر مسلمانان توافق دارند که قرآن ادبیات عربی عالی و غنی دارد؛ به گونه‌ای که در آیه زیر انسان را به تحدی و مبارزه منطقی فرا می‌خواند:

«و اگر از آنچه بربنده خود (پیامبر) فرو فرستادیم، در تردید هستید، پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانندش بیاورید و گواهانتان را، که جز خدایند، فرا خوانید و اگر (چنین) نکردید - و (هرگز) نخواهید کرد - پس [خود را] از آتشی ننگه دارید که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند، در حالی که برای کافران آماده شده است» (بقره / ۲۴-۲۳). [همین نماد در سراسر کتاب دنبال شده است. مراجع و ترجمه قرآن، از ترجمه قرآن توسط عبدالله یوسف علی هستند، نشر جدید ۱۹۸۹ که با شرکت آمانا، مریلند آمریکا منتشر شده است].

تحدی قرآن به تولید یک سوره جداگانه مثل سوره‌هایی است که در قرآن هست. همین چالش (تحدی یا مبارزه طلبی) چند بار در قرآن تکرار شده است. مبارزه و تحدی برای ساخت سوره‌ای که در زیبایی، فصاحت، عمق و معنی،

حداقل تا حدی شبیه سور قرآنی باشد، اما این امر تا به حال بی نتیجه مانده است. با این وجود، انسان منطقی و عقل‌گرای نو هرگز یک کتاب مقدس دینی را که با بهترین زبان نازل شده است، نمی‌پذیرد یا بهتر بگوییم نمی‌تواند بپذیرد! چون ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که علم، منطق، برهان انسان همگی اولویت دارند و چون هر چیز را با آزمایش و زنجیره فرمول‌ها کشف و ترقی کرده است، دیگر به هیچ آیین و دینی اعتماد ندارد. نمونه کوچک آن این است که در حال حاضر عده زیادی نمی‌پذیرند که زبان فوق‌العاده زیبا و اعجاز برانگیز قرآن، دلیل بر الهی بودن آن باشد و مدعی‌اند هر کتاب مقدسی که ادعای وحیانی بودن دارد، باید طبق قدرت دلیل، برهان و منطقتش قبول کردنی باشد.

مطابق نظریه فیزیکدان معروف و برنده جایزه نوبل، آلبرت انیشتن، «علم بدون دین لنگ است و دین بدون علم کور»، بنابراین بیایید درباره قرآن بررسی کنیم و در این باره که آیا علم نو و قرآن با هم سازگارند، یا ناسازگار (Compatible or incompatible) تحلیل داشته باشیم.

علم نجوم

نویسنده در این فصل، بر اساس آیات قرآنی، به بررسی مباحثی چون خلقت جهان و بیگ بنگ (انفجار بزرگ و عظیم) (Big Bang)، توده‌های گازی در آسمان‌ها (Gaseous Mass)، شکل کروی و هندسی زمین (Spherical Shape of the Earth)، نور ماه (The Light of the Moon)، چرخش خورشید (The Sun Rotates)، اجسام بین ستاره‌ای (Interstellar Matter) و گسترش عالم کائنات (The Expanding Universe) می‌پردازد. در ذیل به ترجمه بخشی از مبحث شکل کروی هندسی زمین می‌پردازیم.

شکل کروی زمین

مردم در آغاز معتقد بودند که زمین صاف است، قرن‌ها بود که انسان می‌ترسید به دور دست‌ها سفر کند، چون می‌ترسید که به انتهای زمین برسد و از بلندی‌ها و لبه‌ها سقوط کند. سر فرانسیس درک (Sir Francis Drake) اولین فردی بود که ثابت کرد زمین گرد است، و این بعد از آن بود که در سال ۱۵۹۷م به اطراف جهان سفر کرد و متوجه شد هیچ انتهایی یا خطی که نشان دهنده پایان زمین باشد، وجود ندارد و می‌توان مسیری مدور و کمربندی بر زمین رسم نمود. حال آیه قرآنی زیر را درباره تغییر شب و روز در نظر بگیرید.

«آیا ای رسول ندیدی (و ای مردم حس نمی‌کنید) که خدا شب را در روز و روز را در شب داخل می‌کند»؛ (لقمان / ۲۹).

داخل کردن در این‌جا به معنای آن است که شب به آرامی و به تدریج به روز تغییر می‌کند و برعکس. این پدیده می‌تواند تنها در صورتی رخ دهد که زمین گرد و کروی باشد، چرا که اگر زمین صاف باشد، تغییر ناگهانی از شب به روز و از روز به شب خواهد بود.

آیه زیر هم به کروی بودن زمین اشاره دارد.

«آسمان‌ها و زمین را به حق ایجاد کرد و شب را بر روز و روز را بر شب پوشانید». (زمر / ۵).

واژه عربی استفاده شده در این جا «کَوْرًا» به معنی «هم‌پوشانی» یا «پیچیدن» است؛ همان شیوه‌ای که یک پارچه به دور سر پیچیده می‌شود. هم‌پوشانی یا پیچیدن روز و شب تنها در صورتی می‌تواند رخ دهد که زمین کروی باشد. زمین دقیقاً مثل یک توپ گرد نیست، اما ژئوآسفریکال است، یعنی دو قطبی مسطح است.

آیه زیر، شرحی از شکل زمین را بیان می‌کند.

«و زمین را پس از آن (برای بشر و سایر خلق) بگسترانید» (النازعات / ۳۰).

کلمه عربی برای زمین در این جا «دحها» است که به معنای تخم مرغ (بیضی شکل) است. شکل یک تخم مرغ بیضی شبیه ژئوسفریکال (geo-spherical) زمین است، بنابراین قرآن شکل زمین را به طور صحیح، شرح می‌دهد؛ گرچه وقتی قرآن نازل شد، مردم فکر می‌کردند زمین صاف است!

به این ترتیب دکتر نائیک می‌کوشد ارتباط قرآن با علم و عظمت اعجاز علمی قرآن را با این شیوه تعالی بخشد.

در بخشی از فصل علم جغرافیا مبحثی هست که ما آن را چنین معنا نموده‌ایم:

بادها ابرها را آبستن می‌کنند (Winds Impregnate the Clouds).

«و ما بادهای آبستن کُنِ رَحِمِ طبیعت را فرستادیم و باران را از آسمان فرو آوردیم تا شما را با آن آب، سیراب گردانیم» (حجر / ۲۲).

«لواقح» واژه عربی استفاده شده در این جا است که جمع واژه لقیح از لَقَحَ، به معنی آبستن کردن یا باروری است. آبستن کردن، در این متن، به معنای آن است که باد ابرها را به هم می‌فشارد و تراکم زیاد می‌شود و رعد و برق به وجود می‌آید و باران می‌بارد. همین شرح در قرآن ارائه شده است.

«خدا همان کسی است که بادها را می‌فرستد و ابری برمی‌انگیزد و آن را در آسمان هر گونه بخواهد می‌گستراند و انبوهش می‌گرداند. پس می‌بینی باران از لابه لای آن بیرون می‌آید و چون آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، رسانید، به ناگاه آنان شادمانی می‌کنند» (روم / ۴۸).

واقعاً جالب است که شرح و توصیف‌های قرآنی، کاملاً صحیح و مطابق داده‌های نو راجع به هیدرولوژی است. چرخه آب در چند آیه قرآن کریم شرح

داده شده است از جمله: آل عمران / ۹؛ اعراف / ۵۷؛ رعد / ۱۷؛ فرقان / ۴۸ تا ۴۹؛ یس / ۳۴؛ ق / ۹ تا ۱۱؛ واقعه / ۶۸ تا ۷۰؛ ملک / ۳۰؛ طارق / ۱۱. یکی دیگر از بخش‌های جالب و علمی این کتاب به فصل زمین‌شناسی (geology) و مبحث کوه‌ها مربوط می‌باشد.

کوه‌ها مثل میخ‌ها می‌باشند. (Mountains are like pegs or Stakes)

در زمین‌شناسی، پدیده «چین خوردگی» واقعیتی است که به تازگی کشف شده و مشخص گردیده است که چین خوردگی دلیل اصلی شکل‌گیری رشته کوه‌ها می‌باشد. پوسته زمینی که ما بر روی آن زندگی می‌کنیم، مثل یک پوسته جامد و محکم است، و لایه‌های زیرین آن سیال و پرحرارت می‌باشد که خود دلیلی بر نبود ظرفیت زندگی بشر در آن جاست.

همچنین مشخص شده است که پایداری کوه‌ها، به پدیده چین خوردگی متصل شده است، چون چین‌ها هستند که فونداسیون اصلی را برای تشکیل کوه‌ها فراهم می‌سازند. زمین‌شناسان اعلام داشتند که شعاع زمین حدود ۳/۷۵۰ مایل است و پوسته‌ای که ما بروی آن زندگی می‌کنیم، بسیار نازک (متغیر بین ۱ تا ۳۰ مایل) می‌باشد و نازکی پوسته دلیلی است بر این که احتمال تکان خوردن آن شدت یابد. تأثیر کوه‌ها در برابر زمین درست مثل میخ‌هایی است که خیمه و چادر را در زمین محکم نگه می‌دارند و بر پایداری آن می‌افزایند. قرآن به طور دقیق به این مسئله اشاره دارد.

«آیا ما زمین را به صورت گستره وسیع و گهواره نیافریدیم و کوه‌ها را میخ‌هایش قرار ندادیم؟» (نبأ / ۷ - ۶).

واژه «اوتاد» به معنای میخ‌هاست، مثل میخ‌هایی که برای محکم کردن خیمه به کار می‌روند.

«زمین» نام کتابی است که به صورت منبع درس زمین‌شناسی در چند دانشگاه جهان تدریس می‌شود. یکی از نویسندگان این کتاب، فرانک پرس است، وی ۱۲ سال رئیس آکادمی علوم در آمریکا و ناظر علمی رئیس جمهور پیشین ایالات متحده بود. او در این کتاب، کوه را در یک شکل گوه‌ای شرح می‌دهد و آن را به صورت یک بخش کوچک از کل می‌داند که ریشه‌های عمیقاً در زمین فرورفته است.

(Earth, Press and Siever, p. 435. Also see Earth Science, Tarbuck and Lutgens, p. 157)

نظریه دکتر پرس این بود که کوه نقش مهمی در پایداری پوسته زمین دارد. قرآن به روشنی عملکرد کوه‌ها را در جلوگیری از تکان خوردن زمین بیان می‌کند: «وما روی زمین کوه‌هایی استوار قرار دادیم تا خلق را از اضطراب در امان نگه دارد و یا، در زمین کوه‌هایی استوار نهادیم تا مبدا [زمین] آنان [= مردم] را بجنابند» (انبیاء / ۳۱).

علم زیست‌شناسی

در این بخش نویسنده خیلی کوتاه و اجمالی سخن گفته است، البته نباید نگاه دقیق او را دست کم گرفت، مثلاً هر چیز زنده از آب تشکیل شده است (Every Living Thing is Made of Water).

آیه قرآنی زیر را در نظر بگیرید!

«آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم متصل بودند (مثل یک واحد خلقت)، ما آن‌ها را شکافتیم؟، از آب هرچیز را زنده گردانیدیم. چرا باز به خدا ایمان نمی‌آورند» (انبیاء / ۳۰).

تنها بعد از پیشرفت علم می‌دانیم که بدنه سیتوپلاسم، به عنوان ماده اصلی سلول بیش از ۸۰٪ آب دارد. تحقیقات جدید اعلام داشتند که بیشتر ارگانیسم‌ها

از ۵۰٪ تا ۹۰٪ آب تشکیل شده‌اند و هر موجود زنده‌ای برای حیات به آب نیاز دارد. آیا ۱۴ قرن پیش انسان حدس می‌زد که هر موجود زنده از آب درست شده است؟ علاوه بر این چنین حدسی برای انسان آن هم در بیابان‌های عربستان که همیشه کمبود آب وجود دارد، بعید است، آیا به این اندیشیده‌ایم که اسلام چه دین دقیق و محکمی است؟

حال به آیات زیر که به خلقت انسان‌ها و جانوران از آب اشاره می‌کند، توجه کنید!

الف) خلقت انسان‌ها از آب

«او خدایی است که انسان را از آب آفرید، و او را [دارای خویشاوندی] نسبی و دامادی قرار داد و پروردگار تو همواره تواناست» (فرقان / ۵۴).

ب) خلقت جانوران از آب

«و خداوند هر جانوری را از آب خلق کرده است» (نور / ۴۵).
همچنین در بخشی از فصل گیاه‌شناسی آن به بررسی زندگی گیاهان و میوه‌ها به صورت جفت جفت می‌پردازد.

انسان‌ها در گذشته نمی‌دانستند که گیاهان نر و ماده دارند. علم گیاه‌شناسی بیان می‌کند که هر گیاه جنس نر و ماده دارد، حتی گیاهانی که تک جنسی هستند، عناصر مجزایی از نر و ماده دارند، به این آیه از قرآن دقت فرمایید.

«و از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن رستنی‌های گوناگون جفت جفت بیرون آوردیم» (طه / ۵۳).

«و هرگونه میوه پدید آورد، همه چیز را جفت بیافرید» (رعد / ۳).
میوه، محصول نهایی تکثیر گیاهان برتر است. مرحله‌ای که میوه طی می‌کند، گل است که آن هم ارگان‌های نر و مادگی دارد (بساک‌ها و تخمدان‌ها). اگر گرده

به گلی برسد، آن‌ها میوه‌دار و در حقیقت بالغ می‌شوند. نکته جالب این است که همه میوه‌ها سیستم جنسی نر و مادگی دارند، و این واقعیت در قرآن بیان شده است.

۴. بررسی و نقد کتاب

این نکته کاملاً لمس شدنی است که تمام کوشش نویسنده بر ارائه ادله محض علمی مبتنی است؛ اما با وجود سعی والای نویسنده می‌توان نقاط ضعفی را در آن یافت.

الف) استدلال‌های محض علمی، زیاده‌روی‌ها و نواقص

استدلال و تکیه محض بر علوم طبیعی و سعی در نشان دادن آن‌ها در قرآن، نوعی دوگانگی در افکار دسته‌ای از مخاطبان نا آشنا یا کم آشنا به وجود می‌آورد؛ این که گروهی قرآن را کتابی علمی می‌دانند و از آن توقع کشف تمام علوم را دارند و دیگر این که گروهی ممکن است بر این باور باشند که قرآن که کتابی علمی است، چگونه در زمان مردمی نازل شد که از لحاظ علمی در سطح پیشرفته نبودند؟ آیا واقعاً اعراب صدر اسلام به دانستن این واقعیات علمی نیاز داشتند؟ و آیا قدرت درک و تحلیل علمی اعراب عصر نزول در حدی بود که مثلاً مسئله بیگ بنگ را درک کنند؟ نویسنده، مترجم‌ها و منتقد‌ها منکر این قضیه نیستند که این واقعیات علمی در قرآن وجود ندارد، اما احتمال دارد اتکای محض علمی برای اثبات حقانیت قرآن، چنین شبهاتی را به دنبال داشته باشد.

نقد دیگر این است که نویسنده در بعضی فصول طوری علمی و مستمر بر روی تحلیل یک موضوع علمی و حتی آزمایشگاهی بحث کرده است که گویی مخاطب خود را در فضایی خارج از کتاب قرار داده است و در بعضی اوقات او را از هدف اصلی کتاب دور می‌نماید. برای نمونه در فصل پایانی کتاب با عنوان علوم کلی بخشی را با عنوان «رستپورهای (دستگاه گیرنده) درد در پوست وجود

دارند» قرار داده است که این مبحث را بسیار علمی، کند و با فاصله به آیات قرآن وصل می‌کند. برای مثال می‌نویسد:

«گمان می‌رفت درک، احساس و درد فقط به مغز وابسته باشد، اما کشفیات اخیر ثابت کرد رسپتورهای درد در پوست هستند؛ بدون آن که فرد بتواند احساس درد کند، پزشکان متخصص سوختگی، درجه سوختگی بیمارانی را که دچار صدمات سوختگی شده‌اند، با دستگاه پین پریک اندازه‌گیری می‌کنند. در حین معاینه اگر بیمار احساس درد کند، پزشک خوشحال می‌شود چون نشان می‌دهد سوختگی‌ها سطحی بوده‌اند و رسپتورهای (گیرنده‌ها) درد سالم هستند. از سوی دیگر اگر بیمار احساس درد نکند، نشان می‌دهد سوختگی عمیق بوده و رسپتورهای درد نابود شده‌اند. قرآن نیز وجود رسپتورهای درد را در آیه‌های زیر بیان می‌کند:

«آنان که به آیات ما کافر شدند به زودی به آتش دوزخشان درافکنیم که هرچه پوست تن آن‌ها بسوزد، به پوست دیگرش تبدیل کنیم تا سختی عذاب را بچشند که همانا خداوند مقتدر است و کارش از روی حکمت است» (نساء/ ۵۶).

نکته دیگر این‌که در این کتاب به بررسی دیگر علوم همچون علوم انسانی: روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم‌مدیریتی، اخلاق و حتی فلسفی کلامی پرداخته نشده است. اگر قدری هم از علوم روان‌شناسی و اجتماعی بحث و جایگاه آن‌ها در آیات قرآن کشف می‌شد، بر ارزش کتاب و ظرافت علمی آن می‌افزود.

ب) استفاده نکردن از تفاسیر

یکی دیگر از ضعف‌های کتاب بهره نبردن از تفاسیر (اهل سنت یا شیعه) است. این فقر باعث شده است کتاب کاملاً بر اساس دانسته‌ها و کشفیات آزمایشگاهی و دانشگاهی نگارش شود. استفاده از تفاسیر به ویژه در مورد آیاتی

که نشانه‌هایی از علم در آن به چشم می‌خورد، باعث می‌شود قدرت تحلیل، گیرایی و تجسم مخاطب رشد یابد و بر دانستنی‌های او افزوده گردد. همچنین یقین مخاطب نیز بهتر حاصل می‌شود. مثلاً این بخش از آیه ۵ سوره زمر را درباره تغییر شب و روز از نظر دکترنائیک و علامه طباطبایی رحمتهما در تفسیر المیزان، آیت‌الله مکارم‌شیرازی در تفسیر نمونه و در کتاب التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج که یک تفسیر فقهی و تحلیلی اهل سنت است، بررسی نمایید!

﴿يَكُوْرُ اللَّيْلَ عَلٰى النَّهَارِ وَيَكُوْرُ النَّهَارَ عَلٰى اللَّيْلِ﴾. «شب را بر روز می‌پیچد و روز را بر شب می‌پیچد».

۱) دکتر نائیک می‌نویسد: واژه عربی استفاده شده در این جا «کُوْر» به معنی «هم‌پوشانی» یا «پیچیدن» است؛ همان شیوه‌ای که بر اساس آن یک پارچه به دور سر پیچیده می‌شود. هم‌پوشانی یا پیچیدن روز و شب تنها در صورتی می‌تواند رخ دهد که زمین کروی باشد. زمین دقیقاً مثل یک توپ گرد نیست، اما ژئوآسفریکال است، یعنی در دو قطبی مسطح است.

۲) علامه طباطبایی رحمتهما در مورد این بخش از آیه در تفسیر المیزان به مسئله تدبیر اشاره می‌کند.

۳) طبرسی در مجمع البیان در باره کلمه «یکور» می‌گوید: کویر عبارت است از این که بعضی از اجزای چیزی را روی بعض دیگر بیندازیم (مجمع البیان، ۸/ ۴۸۸، آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی).

بنابراین مراد انداختن شب روی روز و انداختن روز روی شب است. در نتیجه این عبارت استعاره به کنایه می‌شود و معنایش نزدیک به معنای آیه ﴿يُعْشِي النَّهَارَ اللَّيْلَ النَّهَارَ﴾ «اعراف/ ۵۴» می‌گردد، و مراد از آن پشت سر هم قرار گرفتن شب و روز به طور استمرار است که ما همواره می‌بینیم روز شب را و شب روز را پس می‌زند و خود ظهور می‌کند، و این همان مسئله تدبیر است.

۴) در تفسیر نمونه آمده است: نکته لطیفی که در این تعبیر قرآنی نهفته، این است که زمین کروی است و به دور خود گردش می‌کند و بر اثر این گردش، نوار سیاه شب و نوار سفید روز دائماً گرد آن می‌گردند، گویی از یکسو نوار سفید بر سیاه و از سوی دیگر نوار سیاه بر سفید پیچیده می‌شود. به هر حال قرآن مجید در مورد نظام «نور» و «ظلمت» پیدایش شب و روز تعبیرات گوناگونی دارد که هر کدام به نکته‌ای اشاره می‌کند و از زاویه خاصی به آن می‌نگرد.

۵) زحیلی وهبة بن مصطفى در المنیر می‌گوید: «يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ» ای یغشی کلا منهما الآخر، حتی یذهب ضوءه أو ظلمته، أو يجعلهما متتابعين متعاقبين، يطلب كل منهما الآخر طلبا حثيثا، كقوله تعالى: «يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا» [الأعراف ۷ / ۵۴] و قوله سبحانه: «يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ» [الحديد ۵۷ / ۶]. وهذا دليل على كروية الأرض أولا: لأن التكوير: اللف على الجسم المستدير، وعلى دورانها حول نفسها ثانيا، لأن تعاقب الليل والنهار والنور والظلمة لا يتم دون دوران».

در نتیجه روشن است که اگر دکتر نایبک از تفاسیر معتبر استفاده می‌نمود، بر بار علمی و زیبایی اثرش افزوده می‌شد و ضریب تأثیرگذاری آن نیز افزایش می‌یافت.

ج) پراکندگی و کثرت بیش از حد مطالب در برخی فصول

آخرین موردی که در کتاب قرآن و علم جدید به چشم می‌خورد بی‌منظمی تقسیم فصول می‌باشد، یعنی خواننده را به فکر فرو برد و او را در شک می‌اندازد؛ به گونه‌ای که درجه اهمیت بیشتر و کمتر در مورد آیات برای او مطرح شود، مثلاً در بخش زیست‌شناسی به بررسی یک آیه بسنده می‌کند، ولی در بخش نجوم علاوه بر کثرت فصول، تعداد زیادی از آیات را نیز بررسی می‌کند. همچنین بهتر بود در فهرست جایی هم را به علوم انسانی اختصاص می‌یافت و از ارائه بخش‌های کم اهمیت تر چشم‌پوشی می‌شد.

نتیجه گیری:

در این بخش نتیجه دکتر نائیک را بر نتیجه خود مقدم داریم. وی می‌نویسد: قرآن همه انسان‌ها را دعوت می‌کند تا در خلقت جهان توجه کنند. آیه زیر بدان اشاره دارد:

«محققاً در خلقت آسمان و زمین و رفت و آمد و شب و روز (بر وجود حق و علم و قدرت و حکمتش) روشن دلائلی است برای خردمندان» (آل عمران / ۱۹۰).

شواهد علمی قرآن به روشنی منشأ الهی داشتن آن را اثبات می‌کند. هیچ انسانی نمی‌تواند ۱۴۰۰ سال پیش کتابی بیافریند که حاوی حقایق علمی دقیقی باشد. حقایقی که قرن‌ها بعد، نوع بشر به آن‌ها پی‌برد. با این حال، قرآن کتاب - نه تنها علم - بلکه کتاب آیات و نشانه‌هاست. این آیات انسان را به هدف وجودش روی زمین دعوت می‌کند؛ به زندگی در هماهنگی با طبیعت. قرآن در واقع پیامی از سوی خداوند است؛ خالق و نگهدارنده جهان. قرآن حاوی پیامی از یگانه بودن خداوند است که به وسیله همه پیامبران از آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ، موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ تا حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ابلاغ شده است.

بر اساس گفته‌های دکتر نائیک می‌توان به این نکته پی‌برد که قرآن حقیقتاً کتابی برای تمام اقشار و فرهنگ‌ها نازل شده است، و برای عوام و خواص درک‌پذیر است.

ما در مورد کتاب دکتر نائیک بر این باوریم که اگر در تالیف چنین کتبی به «تفاسیر و کشفیات علمی» توجه شود، بر غنای کتاب و صحت دانستنی‌های آن افزوده و ضریب خطا و اشتباه آن کمتر می‌شود. همچنین نباید به علوم پایه و طبیعی به قدری تاکید ورزید که موجب غفلت از علوم انسانی و ریشه‌اش در قرآن و تأثیرات با ارزش آن شود.

منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، نشر نی، ۱۳۸۲.
۲. زحیلی وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقيدة والشريعة والمنهج، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۸هـ. ق.
۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۳۹۳ هـ. ق.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارلکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴.
5. Earth, Press and Siever, . Also see Earth Science, Tarbuck and Lutgens.
6. Bjorntrop, Hormonal System, Metabolism, 1977.
7. Introductory Oceanography, Thurman.
8. Oceans, Elder and Pernetta.
9. Principles of Oceanography, Davis.